

## ایران و «ثبات استراتژیک» در غرب آسیا

دکتر کیهان بزرگر<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله به بررسی موضوع «ثبات استراتژیک» در استراتژی‌های سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا می‌پردازد. بحث اصلی نویسنده این است که فهم ایران از ثبات استراتژیک در منطقه در نتیجه برداشت این کشور از مواضع استراتژیک قدرت‌های بزرگ در منطقه و متحدین منطقه‌ای آنها از یک سو و تهدیدات ناشی از رشد ایدئولوژی‌های سیاسی رقیب، افراط‌گرایی و تروریسم از سوی دیگر دچار تحول و تکامل شده است. در این چارچوب، ایران همواره حضوری فعال و موثر در منطقه به منظور افزایش «امنیت نسبی» خود را مبنای ثبات استراتژیک در نظر می‌گرفته است. قبل از انقلاب اسلامی، ایران ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا را در ورود آشکار به بلوک‌بندی سیاسی و در نزدیکی به غرب و متحدان آن می‌دید. اما اکنون، تکیه بر استراتژی‌های مستقل ملی، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و پیشبرد چندجانبه‌گرایی ملاک عملکرد ایران در صحنه منطقه‌ای مبنای ثبات می‌باشند. از لحاظ مفهومی، دو محور «ثقل جغرافیایی» و «ارزش‌های هویتی» در شکل‌گیری نگاه ایران به مفهوم ثبات استراتژیک حائز اهمیت بوده‌اند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که پویایی تحولات منطقه‌ای از جمله بحران‌های افغانستان، عراق و سوریه و همچنین ظهور تروریسم تکفیری در منطقه سبب شده که نگاه ایران به مسئله ثبات استراتژیک بیشتر متمرکز به تامین اهداف ژئوپلیتیک و دفع تهدیدات امنیت ملی متمرکز گردد. بر این مبنای سیاست‌های مبتنی بر اتکا به خود و بازدارندگی در نگاه ایران در این زمینه تقویت شده است.

**کلیدواژه‌ها:** ثبات استراتژیک، غرب آسیا، امنیت نسبی، بازدارندگی، تروریسم، سیاست خارجی

۱. دانشیار و مدیر گروه روابط بین الملل در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

## مقدمه

فهم جمهوری اسلامی ایران از «ثبات استراتژیک»<sup>۱</sup> در منطقه غرب آسیا چیست؟ چگونه این موضوع در روند تاریخ معاصر ایران دچار تحول و تکامل شده است؟ استراتژی‌های ایران برای دستیابی به آن چه بوده است؟ مفهوم غالب و سنتی در موضوع ثبات استراتژیک به موضوع بازدارندگی اتمی بین قدرت‌های بزرگ در دوران جنگ سرد مربوط می‌شد؛<sup>(۱)</sup> اما به دلیل پویایی مسائل امنیت بین‌الملل در یکی دو دهه اخیر موضوعات دیگری همچون تهدیدات و بازدارندگی نامتقارن، توسعه تکنولوژی‌های نظامی غیرعربی، رویکردهای مستقل سیاسی - امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای، تهدیدات و نقش بازیگران غیردولتی، رشد تروریسم با ماهیت جدید و مسئله دولت‌های ناکام و غیره به مفهوم ثبات استراتژیک اضافه شده که البته نگاه به آن از دولتی به دولت دیگر با توجه به ویژگی‌های ملی، تاریخی و منطقه‌ای فرق می‌کند.

فهم ایران از ثبات استراتژیک در منطقه بیشتر به برداشت این کشور از مواضع استراتژیک قدرت‌های بزرگ در منطقه و روابط آنها با رقبای منطقه‌ای ایران (تهدیدات ژئوپلیتیک) از یک سو و تهدیدات ناشی از رشد ایدئولوژی‌های سیاسی رقیب، افراط‌گرایی و تروریسم (تهدیدات هویتی) از سوی دیگر مربوط می‌شده است. براین مبنا بوده که موضوعات استراتژیک در سیاست خارجی ایران از جمله چگونگی روابط با قدرت‌های بزرگ، ساماندهی ائتلاف‌های سیاسی با گروه‌های سیاسی و دولت‌های دوست در منطقه، اتخاذ سیاست‌های بازدارندگی، مسائل مربوط به کنترل و رقابت تسلیحاتی، سیاست‌های توسعه اقتصادی و انرژی، ادغام سیاسی - فرهنگی و حتی گسترش فعالیت‌های هسته‌ای کشور شکل گرفته است. در زمان رژیم شاه، ایران ثبات استراتژیک را در دفع تهدیدات سیاسی - امنیتی و ایدئولوژیک شوروی و متحدان منطقه‌ای آن مثل عراق و جنبش کمونیستی ظفار در نظر می‌گرفت. براین مبنا، ایران منافع و امنیت خود را در نزدیکی همه‌جانبه روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با بلوک غرب و متحدان منطقه‌ای آن مثل عربستان و رژیم صهیونیستی تعریف می‌کرد. این استراتژی در زمان جمهوری اسلامی تغییر کرد و ایران ثبات استراتژیک را فاصله گرفتن از بلوک‌های غرب و شرق و با تکیه بر استراتژی‌های مستقل سیاسی - امنیتی و اقتصادی تعریف کرده و به تقویت روابط با همسایگان مسلمان و کشورهای حوزه جهان اسلام پرداخت. در

روند زمان این استراتژی تکامل یافته و به اولویت دادن به «همکاری‌های منطقه‌ای» و در حال حاضر به پیشبرد «چندجانبه‌گرایی» در حوزه سیاست خارجی تغییر شکل یافته است.

در هر دو مورد فوق، حضور مؤثر در مسائل منطقه‌ای و ایفای یک نقش فعال با هدف افزایش «امنیت نسبی»<sup>۱</sup> یک اصل ثابت از نگاه ایران برای حفظ ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا تعریف می‌شده است. این اصل هم به دلیل برداشت ایران از تأثیرات منفی بی‌ثباتی در منطقه بر امنیت و منافع ملی کشور و هم به دلیل تعریف از جایگاه خود به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و به تبع حق مشارکت در مسائل سیاسی - امنیتی منطقه بوده است. حضور مؤثر ایران در جنگ ظفار در عمان (۱۹۶۲-۱۹۷۶)، بحران‌های منطقه‌ای در عراق (از ۲۰۰۳) و سوریه (از ۲۰۱۱)، جنگ علیه گروه تکفیری - تروریستی داعش (از ۲۰۱۴) و غیره و همچنین استراتژی آن در تنگه هرمز و منطقه خلیج فارس و تأکید بر حفظ و تقویت توانایی‌های موشکی کشور به عنوان یک قدرت بازدارنده بعد از توافق هسته‌ای (برجام) با قدرت‌های بزرگ، البته با ماهیت تدافعی، همگی به نوعی در این چهارچوب قرار می‌گیرند. این موضوع وقتی حائز اهمیت بیشتری می‌شود که در نظر بگیریم یک دیدگاه غالب در ایران معتقد است که ارزش استراتژیک ایران برای غرب در اهمیت نقش و نفوذ منطقه‌ای آن است و اینکه بهترین وضعیت ثبات منطقه‌ای در شرایطی اتفاق می‌افتد که قدرت رقیب خارجی یعنی آمریکا از مسائل منطقه‌ای دور باشد.

### چهارچوب مفهومی: ثقل جغرافیایی و انگاره‌های هویتی

ضرورت ایفای نقش مؤثر و فعال برای ایجاد ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا بر محوریت دو عنصر «ثقل جغرافیایی»<sup>۲</sup> و «ارزش‌های هویتی»<sup>۳</sup> در نگاه ایران متمرکز بوده است.<sup>(۲)</sup> ثقل جغرافیایی به عنصر مادی و به هم پیوستگی جغرافیایی مربوط می‌شود و به ایران این حس را می‌دهد که در مرکز و نقطه اتصال زیر سیستم‌های مختلف منطقه‌ای یعنی حوزه‌های خلیج فارس و شبه جزیره عربستان، آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و قفقاز، شامات، مصر و شمال آفریقا قرار دارد که موضوعاتی همچون رشد گرایش‌های افراطی و تکفیری، بحران‌های منطقه‌ای و حضور قدرت‌های بیگانه مسئله ثبات

---

1. Relative Security  
2. Geographical Centrality  
3. Identical Values

استراتژیک را در یک قالب گسترده‌تر منطقه‌ای به خطر می‌اندازد. براین‌مبنا، ایفای یک نقش فعال یا منفعل به ترتیب برای منافع و امنیت کشور ثبات و بی‌ثباتی می‌آورد. از یک دیدگاه واقع‌گرایانه، عدم نقش فعال یک بازیگر مهم مثل ایران برخلاف نظام طبیعی قدرت در منطقه بوده و خود موجب بی‌ثباتی از طریق رقابت‌های فزاینده بین کشورهای منطقه می‌شود. از این زاویه، ایفای نقش همه بازیگران منطقه‌ای برای حل مشکلات ضروری است و از این لحاظ افزایش همکاری جمعی بین کشورهای منطقه، علی‌رغم اختلاف‌نظرهای موجود در مدیریت مسائل جاری، خود تنها راه دستیابی به ثبات استراتژیک است.

عنصر دوم یعنی «ارزش‌های هویتی» بیشتر به حس داشتن حق و مسئولیت دولتمردان ایران به ایجاد یک دولت<sup>۱</sup> قوی و پیشبرد اصول و ارزش‌های ایران (ملی - اسلامی) در روند ایجاد ثبات استراتژیک در منطقه مربوط می‌شود. دوباره از یک نگاه واقع‌گرایانه، این نگاه بیشتر به برداشت متفاوت ایران از تأمین منافع و امنیت ملی خود مربوط می‌شود که ترجمان نوعی «خاص‌گرایی»<sup>۲</sup> در رفتار سیاست خارجی ایران است. در این نگاه نقش فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حکومت در شکل‌دهی سیاست منطقه‌ای ایران نقش دارد<sup>۳</sup> و اینکه منافع و هویت نقش ایران در شرایط زمانی ناشی از یک نقطه عطف تاریخی (مثل تحولات اخیر جهان عرب) تغییر یافته و سعی می‌کند تا با شرایط جدید سازگار شود. براین‌مبنا، ایران از حضور روسیه در معادلات بحران سوریه و مبارزه با تروریسم، علی‌رغم تفاوت در دیدگاه‌های سیاسی - ایدئولوژیک با آن، استقبال می‌کند؛ اما به حضور بلندمدت این قدرت خارجی در منطقه غرب آسیا فراتر (از) بحران‌های جاری همچنان حساس است.

در همین چهارچوب، دو مفهوم «منفعت استراتژیک»<sup>۴</sup> که به عنصر ثقل جغرافیایی و «ارزش استراتژیک»<sup>۵</sup> که به انگاره‌های هویتی مربوط می‌شوند در نگاه ایران به مسائل منطقه‌ای برجسته هستند. مفهوم اول متمرکز بر اهمیت ایجاد روابط در سطح دولت‌هاست که تلاش می‌کند به جامعه جهانی نشان دهد که ایران می‌تواند یک شریک قابل اعتماد در منطقه باشد که همکاری با آن به نفع ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا و به تبع امنیت جهانی است. مفهوم دوم بیشتر بر ویژگی سستی دولت‌محوری، اشتراکات فرهنگی و اجتماعی روابط ایران با ملت‌های همسایه و همچنین روابط با

---

1. State  
2. Particularism  
3. Strategic Benefit  
4. Strategic Value

جنبش‌های سیاسی - ایدئولوژیک و عمدتاً ضدجریان‌های مسلط جهانی متمرکز است. به عبارت دیگر، ایران سعی می‌کند با ترکیبی از قدرت سخت و نرم اهداف سیاست خارجی خود را پیش ببرد. تجربه نشان می‌دهد که هر دو مفهوم فوق ریشه‌های قوی و تاریخی در فهم ایران از ثبات استراتژیک در منطقه دارند.

تأکید ایران بر منطقه‌گرایی توجه همزمان به جنبه جغرافیامحوری و هویت‌محوری در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشور است. جنبش روبه رشد در تعریف جدید از منطقه «خاورمیانه» به منطقه «غرب آسیا» در ایران بر همین مبنای ضرورت مفهوم‌سازی جدید در ادبیات دانشگاهی و سیاست‌گذاری کشور با هدف تمرکز بر ظرفیت‌ها و ویژگی‌های ملی کشور و دوری از تعاریف و مفاهیم کلاسیک غربی است.<sup>(۴)</sup> از لحاظ تأثیرات بر سیاست‌گذاری، این فهم از ثبات استراتژیک به دو رویکرد متفاوت، یکی سیاست فعال یا تهاجمی<sup>۱</sup> و دیگری سیاست حل‌المسائلی<sup>۲(۵)</sup> در سیاست خارجی حکومت‌ها در ایران منجر شده است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

### سابقه نگاه به ثبات استراتژیک در ایران

در تاریخ معاصر، تغییر و تحول در نگاه ایران به ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا در پنج نقطه عطف قابل شناسایی هستند:

**نخست، دوران رژیم شاه:** در این زمان موضوع ثبات استراتژیک بیشتر در چگونگی روابط ایران با قدرت‌های بزرگ و در مفهوم رقابت جنگ سردی آن خلاصه می‌شد. در این دوران، ایران ثبات در منطقه را تقویت منابع قدرت ملی و افزایش نقش منطقه‌ای از طریق نزدیکی روابط با بلوک غرب و حفظ روابط حداقلی با بلوک شرق برای تعادل در روابط بین‌المللی خود در نظر می‌گرفت. نزدیکی با غرب به نوعی روابط منطقه‌ای ایران را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. نگاه غالب این بود که افزایش اهمیت ایران در نزد کشورهای غربی و به خصوص آمریکا جایگاه بین‌المللی و به تبع جایگاه منطقه‌ای ایران را تقویت می‌کرد. همین وضعیت باعث می‌شد تا کشورهای مهم منطقه مثل عربستان سعودی و عراق خواهان روابط گسترده و حل مسائل خود با ایران شوند و بعضاً نقش ایران را در حل مشکلات منطقه‌ای بپذیرند. در این چهارچوب ایران قادر شد مشکلات مرزی خود با عراق را در سال ۱۹۷۵ با

---

1. Assertive  
2. Accommodative

انعقاد قرارداد الجزیره حل و فصل کند. پیش از این و بین سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۷۶ نیروهای ایران در جنگ ظفار برای مقابله با نفوذ کمونیست‌ها وارد شبه‌جزیره عربستان شدند. علی‌رغم بعضی سوءظن‌ها نسبت به اهداف جاه‌طلبانه رژیم شاه، عربستان سعودی در آن زمان به‌نوعی نقش ایران را پذیرفت. در تداوم این امر، سیاست «دو ستونی» ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا در دهه ۱۹۷۰، وظیفه حفظ ثبات و امنیت در منطقه خلیج فارس را به بازیگران عمده منطقه‌ای یعنی ایران به‌عنوان ستون نظامی - امنیتی و عربستان سعودی به‌عنوان ستون مالی واگذار کرد.<sup>(۱)</sup> در این دوران ایران همچنین سیاست پیشرو و مؤثری را در اوپک برای افزایش قیمت نفت با هدف توسعه قدرت نظامی - اقتصادی از یک سو و تحت تأثیر قرار دادن مسائل منطقه‌ای و تنظیم روابط خود با قدرت‌های بزرگ از سوی دیگر دنبال کرد.

**دوم، بروز انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹:** در این دوران، تغییر ساختار سیاسی ایران در نتیجه انقلاب اسلامی و جابه‌جایی نخبگان سیاسی نگاه ایران به ثبات استراتژیک در منطقه را کاملاً دگرگون کرد. ماهیت ضدهژمون و استکبارستیز انقلاب اسلامی بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و روابط بین‌المللی ایران و همچنین جایگاه کشورها در تقویت منابع قدرت ملی و جایگاه منطقه‌ای ایران تأثیر جدی داشت. اکنون ایران نزدیکی با جنبش‌های سیاسی و ضداستکباری و دوری از غرب را مظهر افزایش قدرت ملی و جایگاه منطقه‌ای و به‌تبع برقراری ثبات استراتژیک در منطقه تعریف می‌کرد. در این دوران، سیاست داخلی و عملکرد سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا تا حدود زیادی تحت تأثیر نظرات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره)، است که معتقد بود منافع ایران تنها در صورتی حفظ خواهند شد که کشور از آمریکا دوری جوید. گرچه ماهیت انقلاب اسلامی از بسیاری جهات با جهان‌بینی هژمونیک آمریکا و لیبرالیسم غربی در تضاد است؛ اما این اعتقاد لزوماً در سیاست خارجی ایران به شکل رویکرد محض ضدغربی منعکس نشده و بیشتر عهدی در فلسفه جدید حاکم بر سیاست خارجی ایران بود که براساس آن ایران باید استقلال سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود را در معادلات منطقه‌ای و جهانی دنبال کند و این لاجرم در تضاد با اهداف هژمونیک آمریکا در منطقه خاورمیانه قرار می‌گرفت. به همین جهت برای ایران ضروری بود تا ثبات استراتژیک در منطقه را در دوری از جریان‌های مسلط جهانی به‌خصوص آمریکا و جریان غربی تعریف کند.

**سوم، دوران پس از جنگ ایران - عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸):** ورود ایران به دوران سازندگی و تجربه‌های کسب‌شده از جنگ هشت‌ساله تحمیلی در برخورد با قدرت‌های بزرگ یعنی آمریکا و

شوروی و متحدان منطقه‌ای آن و به‌خصوص رژیم‌های محافظه‌کار عربی خلیج فارس، که همگی به‌نوعی برضد ایران عمل کردند، تحول جدیدی در نگاه ایران به موضوع ثبات استراتژیک ایجاد کرد. جنگ برای ایران تداعی‌کننده روابط پرآشوب با دنیای عرب در صحنه منطقه‌ای<sup>(۷)</sup> و تنهایی در صحنه بین‌المللی بود و اینکه باید بیشتر به منابع داخلی خود برای توسعه اقتصادی و تقویت بنیه نظامی - دفاعی تکیه کند. براین‌مبنا، نگاه ایران به موضوع ثبات استراتژیک بیشتر متمرکز بر تقویت روابط خارجی از یک‌سو و مسائل ثبات و امنیت داخلی در شرایط بعد از جنگ از سوی دیگر گردید. در این دوران، ثبات از نظر ایران بیشتر با موضوع سازندگی و توسعه از طریق تقویت رویکرد تعاملی و تنش‌زدایی با کشورهای منطقه و جهان تعریف می‌شد. مبنای این نگاه جدید، نیاز ایران به تکنولوژی و ورود سرمایه‌های جدید برای به جریان انداختن روند توسعه کشور به‌خصوص در حوزه انرژی بود. در همین چهارچوب، سند چشم‌انداز بیست ساله توسعه ایران تصویب شد که برمبنای آن قرار است ایران پیشرفته‌ترین کشور منطقه از لحاظ توسعه تا سال ۲۰۲۵ باشد. این چشم‌انداز با یک نگاه توسعه‌ای و مبتنی بر حفظ ثبات در رشد و امنیت اقتصادی، انرژی، توسعه سیاسی و اجتماعی سعی دارد روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را ترسیم کند.<sup>(۸)</sup> این دوران با ریاست‌جمهوری آقای اکبر هاشمی رفسنجانی که معروف به دوران سازندگی است آغاز و تا دوران آقای محمد خاتمی که اصلاحات سیاسی مبنای توسعه و امنیت داخلی و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای قرار گرفت ادامه یافت.

#### چهارم، تحولات منطقه‌ای پس از حوادث ۱۱ سپتامبر: حضور مستقیم نظامی آمریکا در منطقه

در نتیجه بروز جنگ‌های افغانستان و عراق به دنبال حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حس تهدید سیاسی - امنیتی دولتمردان ایران را از آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش مثل عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی افزایش داد. ایران احساس کرد که توسط دشمنان خود محاصره شده و همین تحول منجر به تغییر نگاه ایران به ثبات استراتژیک شد. در این دوران ایران یک سیاست دوجانبه‌ای را در پیش گرفت. نخست، بهترین وضعیت ثبات را در حضور مؤثر و فعال در مسائل منطقه‌ای با هدف مهار و بازدارندگی تهدیدات دشمنان و رقبا از طریق منطقه دانست. دوم، سعی کرد تا از نهادینه شدن نقش سیاسی - امنیتی آمریکا در منطقه به‌خصوص در عراق و افغانستان جلوگیری کند. در این چهارچوب، ایران سعی کرد تا از امضاء قراردادهای استراتژیک سیاسی - امنیتی بین آمریکا و دولت‌های تازه تاسیس این کشورها جلوگیری کند.<sup>(۹)</sup> توجه پیشبرد این سیاست این بود که حضور پررنگ آمریکا در مسائل منطقه‌ای خود بر بی‌ثباتی استراتژیک می‌افزاید. در واقع، ایران یکی از عوامل مهم

بی‌ثباتی را رشد افراط‌گرایی و تروریسم به سبب بروز جنگ‌ها و حضور نیروهای خارجی می‌داند که فضای سیاسی - امنیتی و حتی اقتصادی لازم را به سازمان‌های تروریستی مثل القاعده و داعش برای جذب نیروها و توسعه فعالیت‌های خود داده است. در این شرایط تهدید و ناامنی که بیشتر مصادف با ریاست‌جمهوری آقای محمود احمدی‌نژاد بود، نیروهای نظامی - امنیتی ایران به‌دلیل تجربه‌های جنگ و آشنایی با منطقه نقش بیشتری در سیاست منطقه‌ای ایران ایفا و این گرایش استراتژیک را در نگاه ایران تقویت کردند که بهترین راه دفع تهدید، تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای است. البته به باور بعضی از تحلیلگران در غرب بخش مهمی از این تغییر جهت در نگاه استراتژیک ایران به ضعف آمریکا در پیشبرد اهداف منطقه‌ای خود و بروز خلأ قدرت در منطقه به‌خصوص در عراق مربوط می‌شود که فرصتی تاریخی برای ایران برای تثبیت قدرت منطقه‌ای خود از طریق تقویت روابط با دولت‌ها و گروه‌های سیاسی دوست در عراق، سوریه و لبنان فراهم کرد.<sup>(۱۰)</sup>

**پنجم، مذاکرات هسته‌ای از سال ۲۰۱۳:** روند این مذاکرات که بالاخره در ژوئیه ۲۰۱۵ با امضاء توافق جامع هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های بزرگ (برجام) به نتیجه رسید، خود بر نگاه ایران به موضوع ثبات استراتژیک در منطقه تأثیر گذاشت. مبنای این تحول بر تقویت این گرایش داخلی بود که ایران برای توسعه اقتصادی و تقویت جایگاه خود نیاز دارد تا مشکلات استراتژیک خود را با غرب به‌خصوص در حوزه تحریم‌های بین‌المللی به‌گونه‌ای حل کند. دولت عمل‌گرای آقای حسن روحانی با این شعار که «سانتریفیوژها باید همزمان با زندگی مردم بچرخند»<sup>(۱۱)</sup> که اشاره‌ای به اهمیت پیشرفت اقتصادی در سایه ایجاد ثبات در منطقه و ضرورت تعامل و پرهیز از تنش‌ها در روابط خارجی است، توانست رأی مردم را به خود جلب کند. در این زمان، تحولات مربوط به مذاکرات هسته‌ای و چشم‌انداز تأثیرات مثبت رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بر اوضاع اقتصادی کشور بر گفتمان‌های سیاست داخلی ایران تأثیر گذاشت. این تحول، گرایش عمومی به ضرورت تعامل اقتصادی و سیاسی با جامعه جهانی را در داخل کشور تقویت کرد. دولت آقای روحانی که راه سوم سیاست در ایران یعنی «اعتدال»<sup>۱</sup> را مبنای رویکرد سیاست داخلی و خارجی خود قرار داده بود، مبنای ثبات استراتژیک را در تعامل با منطقه و جهان و یا به‌عبارت‌دیگر دیپلماسی برد - برد<sup>۲</sup> تعریف می‌کرد. توافق هسته‌ای و رویکرد تعاملی با جهان نگاه به ایران را در نزد غرب به‌خصوص کشورهای اروپایی

---

1. Moderation

2. Win-Win Diplomacy

تغییر داد و اینکه به نقش ایران به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای برای مبارزه با تروریسم و حل بحران‌های جاری منطقه‌ای باید توجه بیشتری کرد.

هرچند توافق هسته‌ای معضل استراتژیک بین ایران و آمریکا را حل نکرد؛ اما خطر تقابل بین ایران و آمریکا را به حداقل ممکن رساند. این تحول خود سبب شد که حس بی‌اعتمادی ایران نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا که پیش از این در طی دهه‌های گذشته با تمرکز بر سیاست تغییر رژیم و معرفی ایران به عنوان منبع اصلی تهدیدات منطقه‌ای بود تا حدودی تغییر کند که البته با روی کار آمدن دولت تندروی دونالد ترامپ در آمریکا مباحث فوق‌مجدداً و به شکل دیگری مطرح شده است. به‌رحال با کاهش تنش نسبی در روابط ایران و آمریکا، اکنون مسئله ثبات استراتژیک از نگاه ایران بیشتر متمرکز بر ضرورت تقویت چندجانبه‌گرایی در منطقه و همکاری‌های منطقه‌ای / فرامنطقه‌ای برای حل مشکلات منطقه‌ای از جمله تروریسم و بحران‌های منطقه‌ای مثل عراق، سوریه و یمن است. ایران حتی همکاری‌های منطقه‌ای غیرمستقیم با آمریکا را در صورت اجرای کامل اصول توافق هسته‌ای نکرده است.<sup>(۱۲)</sup> این مسئله نشان از تغییر تدریجی و سازگاری در نگاه ایران نسبت به ثبات استراتژیک در چهارچوب مسائل منطقه‌ای و نقش آمریکا دارد.

### «مهار» و «بازدارندگی» در ثبات استراتژیک

در طی دهه‌های گذشته، نگاه ایران به ثبات استراتژیک در منطقه تا حد زیادی تحت تأثیر دو مفهوم «مهار»<sup>۱</sup> و «بازدارندگی»<sup>۲</sup> تهدید بوده است. نخست، مفهوم «مهار» تهدیدات در نگاه ایران بیشتر یک سیاست پویا با قابلیت سازگاری با محیط و فضای سیاسی است و ایران با تکیه بر توسعه یک استراتژی سیاسی - امنیتی و ادغام اقتصادی - فرهنگی با دولت‌ها و گروه‌های سیاسی دوست در منطقه سعی داشته تا از تهدیدات احتمالی پیشگیری کند. بر همین مبنای مفهوم «بازدارندگی» بیشتر با جنبه نظامی متعارف و به‌خصوص تقویت قابلیت‌های سیستم موشکی کشور از یک سو و آمادگی کامل برای جنگ‌های نامتقارن و بسیج نیروها در شرایط ناامنی و تهدید ارتباط داشته است. موضوع بازدارندگی در روند زمان به مفهوم «پیشگیری» از تهدید در منطقه ارتباط و به‌گونه‌ای در ادبیات نگاه استراتژیک ایران در سال‌های اخیر تکامل یافته است.

---

1. Containment  
2. Deterrence

از سوی دیگر، این دو مفهوم به نوعی با عناصر سیاسی و نظامی در نگاه ایران به ثبات استراتژیک نقش داشته‌اند. ایران اعتقاد داشته که با افزایش نقش سیاسی در منطقه و به‌کارگیری یک سیاست فعال قادر به پیشگیری از تهدیدات امنیت ملی خواهد بود. همزمان تقویت نیروی متعارف بازدارنده ایران از جنبه نظامی به توسعه این استراتژی کمک می‌کند. حاصل این نوع نگاه به ثبات استراتژیک، شکل‌گیری استراتژی «بازدارندگی تدافعی»<sup>۱</sup> در دکترین امنیت ملی ایران است که ترکیبی از عناصر سیاسی و نظامی است. در درجه نخست و در حوزه سیاسی، این دکترین به مفهوم ضرورت حفظ ثبات سیاسی - امنیتی در منطقه به‌عنوان یک مسئولیت تاریخی برای دولت ایران است که به نخبگان سیاسی - امنیتی مشروعیت به‌کارگیری یک سیاست فعال در منطقه را می‌دهد. همزمان البته این نیروها را از نگاه تهاجمی و تجاوز به کشورهای منطقه نفی می‌کند و مشروعیت حضور را فقط در چهارچوب دفع تهدیدات امنیت ملی و در شرایط خاص می‌پذیرد؛ برای مثال، سیاست ایران در حفظ نظام سیاسی سوریه یا حکومت بشار اسد با توجیه اهمیت کشور سوریه به‌عنوان یک متحد استراتژیک ایران در منطقه از یک نگاه ژئواستراتژیک، حمایت و مشروعیت لازم را نزد نیروهای سیاسی و افکار عمومی داخلی به دست می‌آورد با به‌عبارت دیگر، مسئله اضطراب ژئوپلیتیک و احتمال پُرکردن خلأ قدرت توسط رقبای منطقه‌ای را به دولت ایران یادآوری می‌کند. در واقع، این نوع برداشت از ثبات استراتژیک سبب شده تا دولت در ایران بتواند مسائل امنیت ملی را به اصول سیاست خارجی خود ارتباط دهد و در حوزه سیاست‌گذاری به‌گونه‌ای حمایت افکار عمومی را به دست آورد. در درجه دوم و در حوزه نظامی، این نوع نگاه به موضوع دفع تهدید از طریق بازدارندگی نظامی ارتباط می‌یابد. این مفهوم در سال‌های اخیر در دکترین نظامی و امنیت ملی ایران به شدت توسعه و تکامل یافته است.

از لحاظ سیاست‌گذاری، به‌کارگیری این نوع استراتژی مهار و بازدارندگی ایران را می‌توان در سه حوزه شناسایی کرد.

**نخست، در حوزه بحران‌های منطقه‌ای:** ورود ایران به جنگ ظفار (۱۹۶۲-۱۹۷۶) با هدف مهار تهدید گسترش کمونیست در منطقه بود که از نظر ایران به نوعی با مفهوم برقراری ثبات و حفظ امنیت انرژی ارتباط مستقیم داشت. در این جنگ، دولت ایران وظیفه تاریخی خود می‌دانست تا نیروی

بازدارنده‌اش را برای دفع تهدید به کار گیرد. حضور فعال ایران در عراق بعد از حمله نظامی آمریکا در ۲۰۰۳ بیشتر مبتنی بر مهار تهدید آمریکا شکل گرفت. اکنون حضور ایران در بحران سوریه، همان‌گونه که در بالا گفته شد، فراتر از حفظ یک متحد استراتژیک در منطقه و مسائل مربوط به ارتباط با حزب الله و تهدیدات رژیم صهیونیستی در حوزه بازدارندگی و مربوط به مهار تهدیدات آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش می‌شود. برای همین است که ائتلاف ایران - روسیه با سرعت بیشتری در حال شکل‌گیری است که هدف آن ترکیبی از مسائل مربوط به مهار تهدیدات تروریستی داعش و بازدارندگی تهدیدات آینده کشورهای غربی در منطقه است. در همین راستا، مبارزه با داعش به‌نوعی در ادبیات جدید استراتژیک ایران با مفهوم «پیشگیری» از یک تهدید امنیتی - ایدئولوژیک در خارج از مرزهای ایران ارتباط می‌یابد.<sup>(۱۳)</sup>

**دوم، در حوزه امنیت خلیج فارس:** اکنون استراتژی ایران در خلیج فارس و به‌خصوص در تنگه هرمز بیشتر مبتنی بر مهار و بازدارندگی تهدید احتمالی با استفاده از برتری ژئوپلیتیک خود در منطقه است. امنیت منطقه خلیج فارس هم از لحاظ اقتصادی و هم سیاسی - امنیتی در حوزه منافع حیاتی و امنیت ملی ایران قرار دارد. براین‌مبنا، حضور مؤثر و فعال در این منطقه را هم حق و هم مسئولیت خود در نظر می‌گیرد. مسئله نزدیک شدن قایق‌های نظامی ایران به ناوهای آمریکایی که در اواخر ریاست جمهوری اوباما شدت گرفت و اکنون در زمان دونالد ترامپ هم ادامه یافته، بیانگر این استراتژی در نگاه بازدارنده ایران است که در هر شرایطی از منافع و امنیت ملی خود دفاع می‌کند. از نگاه ایران، این نیروهای آمریکایی هستند که عامل بی‌ثباتی در منطقه خلیج فارس هستند. این تفکر که اخیراً هم از سوی وزیر دفاع<sup>(۱۴)</sup> و هم وزیر امور خارجه ایران<sup>(۱۵)</sup> تأکید شده، نشان‌دهنده وجود یک تفکر استراتژیک در سیاست ایران در این منطقه است. اهمیت این امر وقتی بیشتر می‌شود که دریابیم علی‌رغم اینکه ایران منافع حیاتی اقتصادی از عبور انرژی و واردات و صادرات کالا از طریق بنادر خلیج فارس و هرمز دارد، اما همزمان تأکید کرده است که در شرایط تهدید خارجی به امنیت ملی یا هرگونه اقدام خصمانه، به اهرم‌های بازدارنده از جمله بستن تنگه هرمز یا کنترل کشتی‌های متخاصم یا متحدان آنها<sup>(۱۶)</sup> متوسل خواهد شد.<sup>(۱۷)</sup> این نوع نگاه حتی در زمان رژیم شاه هم به شکل دیگری وجود داشت.

**سوم، حفظ، توسعه و تکامل توانایی‌های موشکی ایران:** این مسئله هم ارتباط مستقیم با مسئله بازدارندگی تهدیدات از سوی کشورهای متخاصم و یا به‌عبارت‌دیگر رابطه «توازن تهدید» یعنی دفع تهدید با توسل به تهدید قرار دارد.<sup>(۱۸)</sup> بر همین مبنا بود که این مسئله به‌عنوان خط قرمز در روند

مذاکرات هسته‌ای با طرف غربی و در سند توافق نهایی هسته‌ای (برجام) از سوی ایران تعریف شد. این بحث هم منطق هویتی و هم منطق تکنیکی دارد. نخست، تعیین خط قرمز با توجه به خواست‌ها و تقاضاهای نیروهای نظامی و همزمان همه گروه‌های سیاسی و حتی عموم نسبت به حفظ یک دستاورد و افتخار ملی است که در طول دهه‌های گذشته با زحمت فراوان به دست آمده است. از لحاظ تکنیکی هم منطق بحث این است که هیچ کشوری در مورد نیروی بازدارنده متعارف خود معامله نمی‌کند<sup>(۱۹)</sup> و اینکه مسائل موشکی ایران فراتر از موضوع برجام است. براین مبنا، ایران همچنان به آزمایشات موشکی خود ادامه می‌دهد. ایران در تازه‌ترین تحول، موشک پیشرفته و هدایت‌شونده با برد بلند «عماد» را در اکتبر ۲۰۱۵ آزمایش کرد.<sup>(۲۰)</sup>

### برنامه هسته‌ای و ثبات استراتژیک

دیدگاه‌های مختلف در ایران به موضوع فعالیت‌های هسته‌ای و ارتباط آن با مسئله ثبات استراتژیک و موضوع مهار و بازدارندگی از زوایای گوناگون می‌پردازند.

**نخست، بی‌ثباتی استراتژیک:** یک دیدگاه معتقد است که دستیابی به تسلیحات هسته‌ای برتری متعارف نظامی ایران را در منطقه از طریق تشویق سایر بازیگران به دستیابی به این تسلیحات (مثلاً عربستان سعودی) از بین می‌برد و این خود برای ایران ناامنی و بی‌ثباتی استراتژیک به همراه می‌آورد.<sup>(۲۱)</sup> از سوی دیگر، هرگونه تلاش برای دستیابی به این تسلیحات حس ناامنی را در میان بازیگران منطقه‌ای و فرماندهان از سیاست‌های ایران افزایش می‌دهد و نتیجه آن افزایش نگاه توازن قوایی به نقش منطقه‌ای ایران و تقویت دیدگاه ضرورت مهار قدرت ایران در صحنه نظام بین‌المللی است. از این دیدگاه، تداوم این نوع نگاه در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی هزینه‌های زیادی بر امنیت و منافع ملی ایران تحمیل می‌کند<sup>(۲۲)</sup> و موتور محرک تداوم فعالیت‌های ضدایرانی از سوی بازیگرانی مثل عربستان و رژیم اسرائیل می‌شود. نتیجه اینکه امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران خود برای ایران ناامنی می‌آورد.

استدلال اصلی آقای ظریف، وزیر امور خارجه، در تأکید بر شفافیت و امنیت زدایی از برنامه هسته‌ای ایران شکستن این نوع نگاه به ایران به عنوان منبع اصلی تهدید است و اینکه دسترسی به (نورافزوم) هبیت‌تیرانی و قدرت‌های جهانی نقطه عطفی در شکستن این دیدگاه است.

**دوم، ایفای نقش و بازدارندگی:** دیدگاه دوم معتقد است که حفظ چرخه غنی‌سازی مستقل اورانیوم در خاک ایران موجب افزایش منابع قدرت ملی ایران می‌شود و این خود نوعی بازدارندگی

نظامی و سیاسی برای کشور فراهم می‌کند. از یک سو رقبا را در حمله نظامی به ایران مردد می‌کند و از سوی دیگر، ارزش استراتژیک لازم را برای قدرت‌های بزرگ فراهم می‌کند تا با ایران وارد چانه‌زنی برای حل موضوع در یک شرایط برابر سیاسی شوند<sup>(۲۴)</sup> و این خود برای ایران ثبات استراتژیک به همراه می‌آورد. این دیدگاه که موضوع هسته‌ای را فراتر از این مسئله به نوعی به روابط پویای ایران با قدرت‌های جهانی و به خصوص آمریکا و کشورهای اروپایی در نظر می‌گیرد، حفظ استقلال و هسته‌ای را برای حفظ نقش و جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران ضروری می‌داند. این دیدگاه معتقد است تلاش برای کاهش درجه فعالیت هسته‌ای ایران بیشتر با هدف کاهش نقش و چانه‌زنی ایران در معادلات جهانی و منطقه‌ای است؛ لذا موضوع مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران به نوعی مخالفت با جمهوری اسلامی ایران نیز مربوط است. این دیدگاه نگاهی بدبینانه به اجرای کامل توافق هسته‌ای از سوی آمریکا دارد و زمینه مخالفت‌های این کشور با ایران را نه موضوع هسته‌ای بلکه مسائل سیاسی - ارزشی در نظر می‌گیرد.<sup>(۲۵)</sup>

**سوم، ژئوپلیتیک هسته‌ای و ثبات:** دیدگاه سوم که البته در استراتژی مهار و بازدارندگی ایران در نزد نخبگان سیاسی - نظامی جایگاهی ندارد معتقد به اهمیت ژئوپلیتیک هسته‌ای در نگاه ایران به ثبات استراتژیک است. از این لحاظ، توانایی‌های بالقوه هسته‌ای و قرار داشتن ایران در «آستانه» یا «گریز هسته‌ای»<sup>۱</sup> (یعنی زمان بین یک فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای و حرکت به سمت تسلیحاتی شدن) می‌تواند برای ایران ثبات و امنیت بیاورد. ریشه این دیدگاه‌ها بیشتر در بحث‌های کلاسیک روشنفکری و آکادمیک ایران است که با تکیه بر مفهوم تهدید و ناامنی، لازمه یک ایران پیشرفته و قوی را در عدم آسیب‌پذیری دائمی آن در نظر می‌گیرد. بحث‌های مربوط به ضرورت خروج ایران از معاهده ان‌پی‌تی تا حدودی مربوط به این دیدگاه می‌شود.<sup>(۲۶)</sup> در اینجا استدلال این است که این معاهده محصول جنگ سرد و توافق بین قدرت‌های اتمی است و بدون اینکه به ایران امتیازی بدهد تعهداتی را به کشور تحمیل می‌کند. در واقع این معاهده به یک نقطه چالش برای منافع و امنیت ملی ایران تبدیل شده است.

## استراتژی‌های دستیابی به ثبات استراتژیک

نهایتاً در طول تاریخ معاصر، ایران استراتژی‌های متفاوتی را برای دستیابی به ثبات استراتژیک در منطقه

غرب آسیا به کار گرفته است.

**نخست، ائتلاف‌سازی با غرب:** این استراتژی که بیشتر در دوران شاه مدنظر بود زمینه افزایش قدرت ملی ایران و نقش آن در ایجاد ثبات در منطقه را در نزدیکی روابط با غرب و به‌خصوص آمریکا تعریف می‌کرد. به عبارت دیگر، ارزش استراتژیک ایران در نظام بین‌الملل در چهارچوب روابط گسترده و همه‌جانبه سیاسی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی با غرب تعریف می‌شد. در این دوران، ایران روابط سیاسی خود را با غرب و آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش مثل عربستان و رژیم صهیونیستی افزایش داد و به تقویت توان نظامی خود در پرتو این روابط خوب سیاسی پرداخت. از این طریق، ایران بسیاری از مشکلات منطقه‌ای خود، همان‌طور که در بالا آمد، را سروسامان داد و جایگاه خود را در نزد کشورهای غربی تقویت کرد. البته در این روند، یک مسابقه تسلیحاتی بین ایران و عراق در گرفت که از دیدگاه بعضی از تحلیلگران خود علتی برای شروع و تداوم جنگ ایران و عراق به مدت هشت سال گردید.

**دوم، همکاری منطقه‌ای:** این استراتژی بیشتر به دوران جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود که ایران ثبات استراتژیک در منطقه را در گسترش و تقویت ائتلاف‌ها با گروه‌ها و دولت‌های دوست در منطقه مثل عراق، سوریه و لبنان تعریف می‌کرد. براین مبنای ارزش استراتژیک ایران در نظام بین‌الملل در افزایش نقش منطقه‌ای آن و گسترش روابط همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با منطقه تعریف می‌شد. در این دوران، ایران دوری از قدرتهای بزرگ به‌خصوص غرب و آمریکا را مبنای ثبات و امنیت برای کشور تعریف کرد و به‌نوعی بر توسعه و تکامل استراتژی‌های مستقل نظامی و امنیتی و حتی اقتصادی روی آورد. براین مبنای ایران سعی کرد روابط خود را با جنبش‌های سیاسی و از آن طریق با ملت‌های منطقه افزایش دهد. البته در این روند با مقاومت و بعضاً دشمنی رژیم‌های عرب و محافظه‌کار منطقه به‌خصوص عربستان سعودی نیز روبه‌رو شد.

**سوم، چندجانبه‌گرایی:** این استراتژی بیشتر در روند ضرورت سازگاری به محیط منطقه‌ای و اوضاع جهانی در سال‌های اخیر در استراتژی سیاست خارجی ایران پدیدار گردید. (۲۷) مثلاً دولت آقای روحانی ثبات استراتژیک در منطقه را در این می‌بیند که ایران بین منطقه و غرب قرار نگیرد و به‌طور همزمان از ظرفیت‌های دو طرف برای افزایش نقش منطقه‌ای خود و حل معضلات موجود با منطقه و غرب استفاده کند. این استراتژی پس از توافق هسته‌ای وین در ژوئیه ۲۰۱۵ و به‌دنبال افزایش توقعات داخلی برای ایفای نقش فعال منطقه‌ای بر به‌کارگیری استراتژی برد - برد در سیاست

خارجی تقویت گردید. در این دوران، ایران سعی دارد تا بر ارزش و اهمیت استراتژیک نقش خود برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه تأکید کند. تمرکز بر مبارزه فعال با تروریسم داعش به عنوان مهم ترین اولویت در منطقه و تأکید بر چندجانبه‌گرایی<sup>(۲۸)</sup> و همکاری‌های منطقه‌ای - فرامنطقه‌ای برای شکست داعش و حل بحران‌های منطقه‌ای از ویژگی‌های این استراتژی است.

## نتیجه‌گیری

مفهوم ثبات استراتژیک مفهومی پویا در نوع نگاه راهبردی ایران در ارتباط با تحولات منطقه غرب آسیا بوده که در روند زمان جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی یافته و از این لحاظ سعی کرده تا خود را به یک نقطه تعادل و تکامل برساند. در دهه‌های اخیر، نگاه ایران نسبت به ثبات استراتژیک در منطقه بیشتر مبتنی بر چگونگی دفع تهدیدات ژئوپلیتیک دولت‌های متخاصم و ایدئولوژی‌های افراطی مثل طالبان، القاعده و داعش بوده است. این نگاه ایران با در نظر گرفتن درجه تهدیدات سعی کرده خود را با شرایط منطقه‌ای سازگار کند و به مرور بیشتر متمرکز بر تأمین اهداف ژئوپلیتیک و مسائل امنیت ملی گشته است. در تحول نگاه ایران، مواضع و سیاست‌های آمریکا در پیگیری سیاست «تغییر رژیم» و به حداقل رساندن نقش منطقه‌ای ایران تأثیر جدی داشته است. در واکنش به تهدیدات آمریکا، ایران حفظ ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا را در خروج نیروهای آمریکایی و جلوگیری از نهادینه شدن نقش سیاسی - امنیتی این کشور در مسائل منطقه‌ای تعریف کرده است که از نظر ایران خود یکی از عوامل رشد افراط‌گرایی و حتی تروریسم در منطقه است. آمریکا با تغییر رژیم‌ها در منطقه، حضور نظامی در اطراف ایران، و تلاش برای ایجاد ائتلاف‌های ضدایرانی در منطقه به نوعی مهم‌ترین تأثیر را بر نگاه ایران در موضوعات مربوط به مهار و بازدارندگی داشته است. بسیاری از استراتژی‌های دفاعی ایران با هدف مهار تهدید آمریکا و واکنشی به سیاست‌های منطقه‌ای این کشور بوده است.

عربستان سعودی نیز به عنوان یکی از متحدان اصلی آمریکا در منطقه توان ائتلاف‌سازی برای ایجاد تهدید علیه ایران را داشته است. سیاست عربستان در تقویت رقابت ژئواستراتژیک و ایدئولوژیک با ایران در مسائل منطقه‌ای نگاه ایران به ثبات استراتژیک را تحت تأثیر قرار داده است. عربستان سیاست‌های فعلی خود را در سوریه، عراق و یمن با هدف مهار نقش منطقه‌ای ایران دنبال می‌کند. نارضایتی این کشور از توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی به دلیل تأثیرات مثبت این توافق

بر افزایش نقش منطقه‌ای ایران است. براین مبنای، دکترین جدید دفاعی - امنیتی خود معروف به دکترین «سلمان»<sup>۱</sup> را متمرکز بر دخالت مستقیم در مسائل منطقه‌ای مثل دخالت نظامی در بحران یمن کرده است؛<sup>۲</sup> اما علی‌رغم اقدامات خصمانه سعودی‌ها، ایران همچنان خواهان بهبود روابط با عربستان در یک چهارچوب دوجانبه یا منطقه‌ای است؛ زیرا معتقد است تقویت همکاری‌های سیاسی - امنیتی آمریکا و عربستان سبب پیچیده‌تر شدن معادله ثبات استراتژیک در منطقه غرب آسیا شده و به ضرر منافع و امنیت ملی ایران است. نهایتاً تهدید حمله نظامی رژیم اسرائیل برای برنامه هسته‌ای ایران و اخیراً تلاش این رژیم برای ائتلاف سازی با سعودی‌ها در منطقه، مسئله ضرورت توسعه یک استراتژی بازدارنده که عمدتاً مبتنی بر تقویت ائتلاف‌های سیاسی با دولت‌ها و گروه‌های سیاسی دوست و بازدارندگی موشکی است را در نگاه ایران به ثبات استراتژیک توسعه داده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر از مطالعات دانشگاهی مربوط به ثبات استراتژیک به برنامه‌دانشگاهی زیر مراجعه کنید به:

The Program On Strategic Stability Evaluation (POSSE), at: <http://posse.gatech.edu/>

۲. کیهان برزگر، «نقش بازیگران منطقه‌ای در بحران سوریه از منظر رئالیسم کلاسیک و سازه‌انگاری»، *دیپلماسی ایرانی*، ۱۱ تیر ۱۳۹۲.

۳. احمد نقیب‌زاده، «بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال سوم، شماره یک، زمستان ۱۳۷۵.

۴. برای مطالعه بیشتر درباره مبانی نظری و مفهومی منطقه غرب آسیا بنگرید به: سید جلال دهقانی فیروزآبادی و بهزاد احمدی لفورکی، *مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا* (سه جلد)، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۵.

۵. برای بحث مفصل در زمینه ویژگی‌های این دو نوع رویکرد سیاست خارجی ایران بنگرید به: کیهان برزگر، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۸، صص. ۱۱۳-۱۵۳.

6. Arshin Adib-Moghaddam, **The International Politics of the Persian Gulf**, Routledge, 2006, pp. 12-14.

7. Ahmad Naghibzadeh, "Rectification of Iran's Foreign Policy Shortcomings During Khatami's Presidency," **Discourse: An Iranian Quarterly**, Vol. 3, No. 3, Winter 2002, pp. 85-100.

۸. رجوع کنید به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در وب‌سایت زیر: [www.dolat.ir/pdf/20years.pdf](http://www.dolat.ir/pdf/20years.pdf).

۹. این سیاست ایران در عدم امضاء قرارداد استراتژیک سیاسی - امنیتی بین عراق و آمریکا موفق بود؛ اما در مورد افغانستان موفق نبود و چنین قراردادی بین این کشور و آمریکا امضا شد. متن کامل این

قرارداد در منبع زیر قابل دسترسی است: <http://www.isna.ir/news/92090201278>

همچنین برای اطلاعات بیشتر از روند تصویب این قرارداد از سال ۲۰۱۲ به منابع زیر رجوع کنید:

- "Enduring Strategic Partnership Agreement between the United States of America and The Islamic Republic of Afghanistan," Available at: <http://www.whitehouse.gov/sites/default/files/2012.06.01u.s.-afghanistanspasedtext.pdf>.

- "Fact Sheet: The U.S.-Afghanistan Strategic Partnership Agreement," **The White House**, May 1, 2012, available at: <http://www.whitehouse.gov/the-press-office/2012/05/01/fact-sheet-us-afghanistan-strategic-partnership-agreement>. Also see: Mark Landler, "Obama Signs Pact in Kabul, Turning Page in Afghan War," **New York Times**, May 1, 2012, Available at: <http://www.nytimes.com/2012/05/02/world/asia/obama-lands-in- kabul-on-unannounced-visit.html?pagewanted=all>.

10. Vali Nasr, "Hard-line U.S. Policy Tips Iran Toward Belligerence: Vali Nasr," **Bloomberg View**, January 4, 2012, at: <https://www.bloomberg.com/view/articles/2012-01-05/hard-line-u-s-policy-tips-iran-toward-belligerence-vali-nasr>
11. Najmeh Bozorgmehr, "Iran celebrates yet challenges remain for Rouhani," *Financial Times*, April 3, 2015. <https://www.ft.com/content/aadb9d2a-d9e7-11e4-9b1c-00144feab7de>
12. Luara Rozen, "Rouhani's chief of staff: More US-Iran anti-terrorism cooperation possible," *Al-Monitor*, September 27, 2015. [www.al-monitor.com/.../mohammad-nahavandian-interview-iran-hassan-rouhani.html](http://www.al-monitor.com/.../mohammad-nahavandian-interview-iran-hassan-rouhani.html)
۱۳. برای آگاهی بیشتر از توسعه این نوع ادبیات به منبع زیر رجوع کنید: محمدحسن حبیبیان، **داعش حقیقی و حقیقت داعش** (مجموعه مقالات نویسندگان)، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم، ۱۳۹۵.
۱۴. سردار حسین دهقان، «آمریکایی‌ها برای کشورهای منطقه ایجاد مزاحمت نکنند»، *خبرگزاری مهر*، ۱۰ فروردین ۱۳۹۶؛ <http://www.mehrnews.com/news/3941428>
15. Kayhan Barzegar, "Why Iran wants to avoid conflict with Saudi Arabia," **Middle East Eye**, 17 October 2016, at: <http://www.middleeasteye.net/columns/why-iran-wants-avoid-conflict-saudi-arabia-1670189317>
۱۶. سردار علی فدوی، فرمانده نیروی دریایی سپاه، «ایران در امنیت نباشد یک قطره نفت از تنگه هرمز عبور نخواهد کرد»، *خبرگزاری فارس*، ۲۴ تیر ۱۳۹۱، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910424000409>
17. Kayhan Barzegar, "Iran's Strategy in the Strait of Hormuz," **The Diplomat**, July 2012, at: <http://thediplomat.com/2012/07/irans-strategy-in-the-strait-of-hormuz>
18. Kayhan Barzegar-Masoud Rezaei, "Ayatollah Khamenei's Strategic Thinking," **Discourse: an Iranian Quarterly**, winter 2017, pp. 219-223.
۱۹. «دکترین موشکی ایران قابل معامله نیست/ برای افزایش قدرت دفاعی اجازه نمی‌گیریم»، <http://www.icana.ir/Fa/News/286556>
20. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940719000138>
21. Zarif, Mohammad Javad. "Tackling The IRAN-U.S. Crisis: The Need For a Paradigm Shift," **Journal of International Affairs**, Vol. 60, No. 2, Spring/Summer 2007
۲۲. دو تن از پژوهشگران داخلی تا چهارده مورد از تعارض‌های امنیتی ایران در صورت دستیابی به تسلیحات اتمی را برشمرده‌اند. بنگرید به: ناصر هادیان و شانی هرمزی، «برنامه هسته‌ای ایران: توانایی استراتژیک»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، تابستان ۱۳۸۹، صص. ۱۸۹-۱۹۴.
۲۳. برای آگاهی بیشتر از این گرایش فکری بنگرید به: مصطفی زهرانی، «راه‌حل سیاسی بهترین گزینه برای بحران سوریه»، *دیپلماسی ایرانی*، ۱۵ فروردین ۱۳۹۶.
۲۴. ابراهیم متقی، «الگو و روند دیپلماسی هسته‌ای در روند توافق جامع هسته‌ای»، در کتاب: **مجموعه مقالات دیپلماسی هسته‌ای ایران**، کیهان بزرگر و علی اسمعیلی اردکانی، تهران: انتشارات دانشگاه

علامه طباطبایی، ۱۳۹۵، صص. ۳۱-۳۵.

۲۵. مصطفی دولتیار، «تداوم و تغییر در مواضع قدرت‌های بزرگ و دیپلماسی هسته‌ای»، در کتاب: **مجموعه مقالات دیپلماسی هسته‌ای ایران**، کیهان برزگر و علی اسمعیلی اردکانی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۵.

۲۶. علاءالدین بروجردی، «تهدید ایران به خروج از ان‌پی‌تی»، **ترند نیوز**، ۸ آوریل ۲۰۱۳،

<http://fa.trend.az/news/nuclearp/2136588.html>

۲۷. یک دیدگاه در زمینه ضرورت چنین سازگاری در منبع زیر قابل شناسایی است. حسام‌الدین آشنا، «دولت‌های کارآمدتر در منطقه قوی‌تر: رویکرد اعتدالی در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»،

**فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۵.

28. Mohammad Javad Zarif, "A Message from Tehran," **New York Times**, April 2015, at: [https://mobile.nytimes.com/2015/04/20/opinion/mohammad-javad-zarif-a-message-from-iran.html?\\_r=1](https://mobile.nytimes.com/2015/04/20/opinion/mohammad-javad-zarif-a-message-from-iran.html?_r=1)

۲۹. برای آگاهی بیشتر از دکتترین سلمان به منبع زیر رجوع کنید:

Nawaf Obiad, "The Salman Doctrine: the Saudi Replay to Obama's Weakness," **The National Interest**, March 30, 2016.